عکاس: وحید سراتی، فرهیختگان

یاسر قزوینی عضو هیات‌علمی دانشگاه تهران در گفت‌وگو با «فرهیختگان» از تکنیک‌های رسانه‌ای داعش می‌گوید

داعش رسانه سیاه

تا پیش از شکل‌گیری گروهک تروریستی داعش، در حوزه رسانه، هیچ گروهی به‌اندازه «جماعت توحید و جهاد» که ابومصعب الزرقاوی تاسیس کرده بود، با خشونت مانوس نبود. آنها با هدف ایجاد رعب و ترس سر می‌بریدند و فیلم آن را نیز در سایت‌های مختلف بارگذاری می‌کردند. با خارج شدن هر سایت، فیلم‌های جنایات زرقاوی روی چندین سایت دیگر بارگذاری می‌شد. زرقاوی در سال ۲۰۰۶ کشته شد، اما راهی را که او طی کرده بود، چند سال بعد داعش ادامه داد. با توسعه ارتباطات و شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی، داعش زودتر از آنچه تصور می‌شد، در دنیا شناخته شد. بخشی از پیش‌روی‌های داعش در سوریه و عراق وابسته به استفاده از نیروهای باسابقه و توانمند در حوزه رسانه و به‌ویژه گیری از خشونت و کارگردانی خشونت در ویدئوهای منتشر شده بود. درباره کارکرد رسانه برای گروهک‌های تروریستی و به‌ویژه داعش با دکتر یاسر قزوینی حائری، عضو هیات علمی دانشگاه تهران گفت‌وگو کردیم. او در چند سال گذشته به‌طور خاص روی فعالیت رسانه‌ای گروهک‌های تروریستی و به‌ویژه داعش تمرکز کرده و به همین دلیل در فیلم «به‌وقت شام»، مشاور ابراهیم حاتمی‌کیا در امور داعش بود. قزوینی در این فیلم به مساله کارگردانی خشونت توجه جدی کرده بود و در گفت‌وگو با «فرهیختگان»، این مساله را نقطه تمایز داعش با سایر گروه‌ها دانست. متن گفت‌وگو با این استاد دانشگاه درباره کارکرد رسانه در گروه‌های تروریستی را در ادامه می‌خوانید.

سیدمهدی طالبی- صادق امامی
گروه بین‌الملل

رصد فعالیت گروه‌های تروریستی نشان می‌دهد که آنها از تجربیات یکدیگر استفاده و رشد می‌کنند. در حوزه رسانه هم قطعا آنها چنین می‌کنند. می‌دانیم داعش بود که تا این حد به رسانه رو زد. آیا اگر یک گروه تروریستی دیگر شکل بگیرد، این تجربه را یک مرحله بالاتر خواهد برد؟ تجربه رسانه‌ای داعش یک مرحله بالاتر از ابومصعب الزرقاوی، رهبر القاعده عراق است که سر قربانیانش را می‌برید و فیلم آن را در سایت‌های مختلف بارگذاری می‌کرد. اساسا فعالیت رسانه‌ای در گروه‌های جهادی از کجا شکل گرفت؟ آیا این حرکت از القاعده یا طالبان شروع شد؟

شاید بحث تاریخ بردار نباشد، چراکه بحث وجودی است. رسانه با هدف انتقال پیام در گروه‌های جهادی وقتی شکل گرفت که احساس کردند شنیده‌شدن یا طرف مقابل می‌خواهد آنها یا فعالیت آنها را نادیده بگیرد. فارغ از ایدئولوژی و جهت‌گیری انسانی به لحاظ تکنیکی این نگاه وجود داشت به همین دلیل در ابتدا به غیر از همین سمتی، دیگر نمی‌کند که از رسانه استفاده کنند، ملاخرب‌الله لبنان نیز همین طور سمت رسانه رفت. خرب‌الله امروز چندان به رسانه‌اش (المنار) کار ندارد، ولی روزی که خرب‌الله یک گروه جهادی صرف بود، آقای شیخ نعیم قاسم [معاون خرب‌الله] می‌گفت انتشار فیلم عملیات برای ما مهم‌تر از خود عملیات است. در آن زمان طرف مقابل می‌خواست او (خرب‌الله) را نادیده بگیرد و خرب‌الله می‌خواست این هویت را به نمایش بگذارد. در مقاله‌ای در این زمینه آمده که «داعش همیشه نشانه‌سازی مهم‌تر از عینیت است، یعنی بالاخره این عینیت هم در ذهن می‌رود و باید یک ذهنیتی باشد. مثالی بزنم، عربستان چندسال قبل اعلام کرد ۴۵ تا جمله شیخ نمر، رهبر شیعی‌ستیز عربستان را اعدام کرده است. شما نه پیکر ایشان و نه فیلمی از اعدام می‌بینید. عربستان پیکر اعدامی‌ها را هم به خانواده آنها نداد، بنابراین از زاویه عینیت، ما از خبری که از رسانه‌های رسمی و از سوی دستگاه امنیتی عربستان منتشر شد، با چیزی مواجه نیستیم. به‌نظرم این اعدام را عربستان انجام داد تا خبرش را به رسانه ما خبارید کرد. دراوقع براساس دوگانه عینیت و ذهنیت، خبر این اعدام‌ها برای ایجاد «ذهنیت» بیش از عینیت، خود اعدام مورد نظر عربستان است. ایجاد ذهنیت، اعلام وجود و بازتاب آن شکل دادن به هویت، دیگری‌سازی و ایجاد همبستگی درونی از اهمیت زیادی مخصوصا برای گروه‌هایی که ظهور و بروز بیرونی چندانی ندارند، برخوردار است. برای گروه‌های جهادی رسانه تلویزیر نداشته است، به‌عنوان نمونه نقلی است از پیامبر (ص) که به یک شاعر می‌گوید مکیان را هجو کن که هرچه تو از صد تیر برای آنها بدتر است. اگر بخواهیم به سابقه اشاره کنیم، تقریبا از دهه ۸۰ که جنگ با شوروی در افغانستان شروع می‌شود، گروه‌های رسانه‌ای برای ثبت و ضبط اخبار شکل می‌گیرند. در آن زمان فلاب مجاهدین شکل می‌گرفت. هر گروه مجاهد داشت، ولی گروه پویش قلمبرداری هم بود، مثلا از حج عبدالله عزام [که در افغانستان با شوروی می‌جنگید] هم فیلم دارند. [و معلم اسامه بن لادن بود و اسامه به تشویق جواد ایرانی مشاور افغان‌ها رفت.] راش‌های خیلی زیادی از جنگ‌های آن دوره به جا مانده است. ایزک کسی مثل خطاب [رهبر مجاهدان عرب در قفقاز] که اول در افغانستان بود، بعد به داغستان و سپس چچن رفت، هم فیلم بسیار است. اوبک سوپراستار جنگجوها است که هوادارانی دارد. از این فردبک فیلم دوساعته ساختند که گویی از لحظه به لحظه حضورش فیلم دارند. او در کودکی به افغانستان رفته است، با این حال فیلم‌های مختلفی از حضورش در افغانستان، داغستان، تاجیکستان و چچن دارند. این را با تصاویر و فیلم‌های به‌جامانده از فرماندهان خودمان مقایسه کنید. آیا واقعا اینقدر راش داریم؟ ماحصر من خوریم که طنین صدای برخی فرماندهان خودمان را گوش کنیم، ولی صوتی نداریم. حاج قاسم باید شهید شود تا آشنایی داریم؟ ولی ملا مقتدر صدای عبدالله عزام در گوش نیست. ملا مقتدر صدای شهید آیوبی در گوش‌شان است. ولی خیلی از فرماندهانه، آقای مهدویان را گوش کنیم، ولی صوتی نداریم. حاج قاسم باید شهید شود تا بتوانیم از او سخنرانی بگذارند. نمی‌دانم شما بصدای شهید زین‌الدین آشنایی دارید؟ ولی ملا مقتدر صدای عبدالله عزام در گوش نیست. صدای ابومحمد عدنانی [سخنگوی رسمی داعش] و زرقاوی در گوش من هست. شما طنین